




The Role of Diplomacy In Dealing With Contemporary Terrorism Against the Islamic Republic of Iran

Nima Rezaei

Corresponding author, Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: nima.r@khu.ac.ir

 0000-0002-8500-8882

Ramin Mahmoudi

Master of Architecture, Kermanshah, Iran.

Email: nrir200200@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Contemporary or new terrorism is one of the new phenomena that has caused various effects on human life in the 21st century. On the other hand, states are trying to reduce the scope of the negative effects of contemporary terrorism on human life by using defensive and offensive counterterrorist measures. The main goal of this research is to investigate the role of diplomacy in dealing with contemporary or new terrorism against the Islamic Republic of Iran. diplomacy in Islamic Republic of Iran is done by institutions such as the SHOAM(Supreme National Security Council), SHAAK(the National Security Council), VAJA(the Ministry of Intelligence and Security (MOIS)), the Intelligence Organization of the Islamic Revolutionary Guard Corps, VACH(the Ministry of Foreign Affairs), etc... In this regard, the mainstream terrorism studies and the opinions of thinkers such as Wilkinson, Jackson, Kurtulus, Smelser & Mitchell, Hoffman, Rogers, etc. have been chosen as the theoretical framework of the current research in order to be able to answer the main question of research. Therefore, this research seeks to answer the main question, "What is the role of diplomacy in dealing with contemporary terrorism against the people and the state of Iran?" It presents the hypothesis that "by using diplomacy, the Islamic Republic of Iran can carry out 9 basic counterterrorist measures in dealing with contemporary terrorism: 1) diminishing motivation of terrorists to attack targets inside Iran by exerting pressure on the countries that host terrorists and depriving the terrorists of physical and political space; 2) reducing the operational capabilities of the terrorists by exerting pressure on host and supporting countries to disarm terrorists; 3) freezing or seizing of terrorist assets and financial resources; 4) sharing intelligence of foreign intelligence organizations with Iranian intelligence services and vice versa; 5) creating a gap in the front of supporters of anti-Iranian terrorism and deactivating state terrorism supporting anti-Iranian terrorism; 6) laying the groundwork for the international condemnation of terrorists; 7) organizing a heavy media spaces against terrorists; 8) preventing terrorists from obtaining advanced weapons and technology; 9) Deactivating, arresting and even laying the groundwork to eliminating the key figures of terrorist groups. This research is an analytical-descriptive study with a methodology based on the mainstream terrorism studies method. The data was collected from library and web-based sources (official and credible websites).

Keywords: Contemporary terrorism, counter-terrorism, mainstream terrorism studies, diplomacy, Islamic Republic of Iran.



نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر علیه جمهوری اسلامی ایران

نیما رضایی

نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: nima.r@khu.ac.ir

ORCID: 0000-0002-8500-8882

رامین محمودی

کارشناسی ارشد رشته معماری، کرمانشاه، ایران.

Email: nrir200200@gmail.com

ORCID: 0000-0000-0000-0000

چکیده

تروریسم معاصر یا جدید، یکی از پدیده‌های نوینی می‌باشد که تأثیرات مختلفی را بر زندگی بشر در قرن بیست و یکم مترتب نموده است. در مقابل، دولت‌ها تلاش دارند تا به واسطه بهره‌گیری از تمهیدات ضد تروریستی تدافعی و تهاجمی، گستره تأثیرات منفی تروریسم معاصر بر زندگی بشر را کاهش دهند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر یا جدید، علیه ج. ا. ایران می‌باشد. این دیپلماسی توسط نهادهایی نظیر شمام (شورای عالی امنیت ملی)، شاک (شورای امنیت کشور)، واجا (وزارت اطلاعات)، سازمان اطلاعات سپاه، واخ (وزارت امور خارجه) و ... انجام می‌پذیرد. در این راستا، جریان اصلی مطالعات تروریسم و آراء اندیشمندان نظیر ویلکینسون، جکسین، کرچلیس، اسملسیر و میچل، هافمن، راجرز و ... به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب گردیده تا بتواند از عهده پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش برآید. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی که «نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر متوجه مردم و نظام سیاسی ایران چیست؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه بهره‌گیری از دیپلماسی می‌تواند ۹ اقدام اساسی ضد تروریستی را در مقابله با تروریسم معاصر انجام دهد: (۱) کاهش انگیزه تروریست‌ها جهت حمله به اهداف در داخل خاک ایران به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان تروریست‌ها و محروم نمودن تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی؛ (۲) تقلیل قابلیت‌های عملیاتی تروریست‌ها به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان و حامی در جهت خلع سلاح تروریست‌ها؛ (۳) مسدود نمودن یا مصادره منابع مالی و دارایی‌های تروریست‌ها؛ (۴) اشتراک‌گذاری اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های اطلاعاتی ایران و بالعکس؛ (۵) ایجاد شکاف در جبهه حامیان تروریسم ضد ایرانی و منفعل نمودن دولت‌های حامی تروریسم ضد ایرانی؛ (۶) زمینه‌سازی جهت محکومیت بین‌المللی تروریست‌ها؛ (۷) سازماندهی فضای رسانه‌ای سنگین علیه تروریست‌ها؛ (۸) ممانعت از دستیابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری‌های پیشرفته؛ (۹) منفعل نمودن، بازداشت و حتی زمینه‌سازی جهت حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریستی». این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و داده‌های مربوطه از منابع وب‌محور (اینترنتی) و کتابخانه‌ای استخراج گردیده است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم معاصر، ضد تروریسم، جریان اصلی مطالعات تروریسم، دیپلماسی، ج. ا. ایران.

مقدمه و بیان مسئله

تروریسم یکی از مسائل مهم بشر در قرن بیست و یکم می‌باشد. شاید آن‌گونه که «برین اسمیت»، «گانین»، «جکسن»، «کاسیمرس» و «رابینسن» عنوان می‌دارند: «تروریسم به یکی از قدرتمندترین دال‌ها در گفتمان معاصر^۱ تبدیل شده است» (Smyth, Gunning, Jackson, Kassimeris & Robinson, 2008, p. 2).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۱ فوریه ۱۹۷۹) و مدتی پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (۱ آوریل ۱۹۷۹) پدیده تروریسم با شدت و حدت زیادی متوجه مردم ایران گردید و جمع زیادی از مردم کشور را قربانی خشونت و نفرت مستتر در خود نمود. تمرکز این پژوهش بر مبحث تروریسم معاصر یا جدید قرار دارد. از حیث ریشه‌های تروریسم، جمهوری اسلامی ایران در دوران معاصر (از سال ۲۰۰۰ به بعد) با جریان تروریستی شش‌ضلعی شامل تروریسم چپ‌گرا یا دست‌چپی (سازمان مجاهدین خلق)، تروریسم راست‌گرا یا دست‌راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر، و ارتش مردمی)، تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حزب دموکرات کردستان یا حدکا، کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران یا سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران، حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک، حزب آزادی کردستان یا پاک، سازمان خبات کردستان ایران یا خبات، جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار)، تروریسم قومیت‌گرا- مذهبی (جنداله و جیش‌العدل)، تروریسم قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حرکه النضال العربی لتحریر الأحواز یا الاحوازیه) و تروریسم مذهبی (داعش) مواجه بوده است که خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را متوجه مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران (در معنای روابط بین‌المللی آن) نموده است.

«پل آر. پیلار» معتقد است همه اقداماتی که می‌توان به‌منظور مبارزه با تروریسم^۲ انجام داد، معمولاً برچسب «ضد تروریسم»^۳ دریافت می‌کنند. هر چیزی که ریشه‌های تروریسم را قطع نماید یا علل تروریسم^۴ را تضعیف کند، حداقل و تا حدودی یک تمهید ضد تروریستی^۵ شناخته می‌شود، حتی اگر به‌طور معمول این‌گونه مورد خطاب قرار نگیرد و حتی اگر دیگر اهداف سیاسی نیز در میان باشند

1. most powerful signifiers in contemporary discourse
2. to combat terrorism
3. counterterrorism
4. causes of terrorism
5. a counterterrorist measure

(Pillar, 2008, p. 377).

اگر این تعریف «پیلار» را به‌عنوان یک تعریف جامع «ضد تروریسم» مبنا قرار دهیم، جمهوری اسلامی ایران سلسله تمهیداتی را جهت مقابله با این گروه‌های تروریستی چهارگانه در دستورکار قرار داده است که می‌توان از آن با عنوان «استراتژی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران» یاد کرد.

بدیهی است که «دیپلماسی» یکی از ابزارها و اجزای اصلی «استراتژی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر متوجه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این راستا، جریان اصلی مطالعات تروریسم به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش انتخاب گردیده تا بتواند از عهده پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش برآید.

بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی که «نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر متوجه مردم و نظام سیاسی ایران چیست؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه بهره‌گیری از دیپلماسی می‌تواند ۹ اقدام اساسی ضد تروریستی را در مقابله با تروریسم معاصر انجام دهد:

- ۱) کاهش انگیزه تروریست‌ها جهت حمله به اهداف در داخل خاک ایران به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان تروریست‌ها و محروم نمودن تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی؛
- ۲) تقلیل قابلیت‌های عملیاتی تروریست‌ها به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان و حامی در جهت خلع سلاح تروریست‌ها؛
- ۳) مسدود نمودن یا مصادره منابع مالی و دارایی‌های تروریست‌ها؛
- ۴) اشتراک‌گذاری اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های اطلاعاتی ایران و بالعکس؛
- ۵) ایجاد شکاف در جبهه حامیان تروریسم ضد ایرانی و منفعل نمودن دولت‌های حامی تروریسم ضد ایرانی؛
- ۶) زمینه‌سازی جهت محکومیت بین‌المللی تروریست‌ها؛
- ۷) سازماندهی فضای رسانه‌ای سنگین علیه تروریست‌ها؛
- ۸) ممانعت از دست‌یابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پیشرفته؛
- ۹) منفعل نمودن، بازداشت و حتی زمینه‌سازی جهت حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریستی».

به‌منظور سازماندهی پژوهش حاضر، در بخش اول مبانی نظری به ارائه توضیحات

در مورد جریان اصلی مطالعات تروریسم پرداخته می‌شود. در بخش دوم مبانی نظری ده مؤلفه تروریسم معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، جریان تروریستی شش‌ضلعی و شمول یا عدم شمول ویژگی‌های ده‌گانه تروریسم معاصر بر گروه‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران توضیح داده می‌شود. در ادامه فرضیه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های مربوطه از منابع وب‌محور (اینترنتی) و کتابخانه‌ای استخراج و گردآوری گردیده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. کلیات

جریان اصلی مطالعات تروریسم^۱ که توسط منتقد اصلی خود (یعنی مطالعات انتقادی تروریسم)، مطالعات راست‌گیشانه تروریسم^۲ نیز نامیده می‌شود، نظیر جریان اصلی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی دارای سه وجه بارز می‌باشد: ۱- رویکرد معرفت‌شناختی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه)؛ ۲- دولت‌محوری و ۳- اتخاذ رویکردهای حل مشکل^۳.

«هرین» معتقد است که جریان اصلی مطالعات تروریسم^۴ در دل سنت‌های رئالیستی و لیبرالیستی سیاست جهانی^۵ قرار دارد. هر نسخه‌ای از نئورئالیسم یا رئالیسم کلاسیک به‌صورتی آشکار با الزامات رهایی‌بخش و فعالانه مطالعات انتقادی تروریسم ناسازگار است (Herring, 2008, p. 198). «ویلکنسن» در کتاب خود با عنوان: «تروریسم در مقابل دموکراسی: پاسخ دولت لیبرال»^۶ درباره بعد هستی‌شناسی جریان اصلی در مطالعات تروریسم که از آن با عنوان مطالعات سنتی تروریسم یاد می‌گردد، عنوان می‌دارد: «[درحالی‌که] برخی از به اصطلاح «پسا مدرنیست‌ها»^۷ مفهوم تروریسم را رد می‌کنند، به این معنی که [تروریسم امری] صرفاً «ذهنی»^۸ است و دلالت بر آن دارد که هیچ معیار عینی قابل تصدیق مستقلی^۹ وجود ندارد که

1. mainstream terrorism studies
2. orthodox terrorism studies
3. problem-solving
4. mainstream terrorism studies
5. realist and liberal traditions of world politics
6. Terrorism vs. Democracy: The Liberal State Response
7. post-modernists
8. subjective
9. independent objective verifiable criteria

ما را قادر سازد که تروریسم را از دیگر اشکال فعالیت تمیز دهیم ... [محققان نحله جریان اصلی مطالعات تروریسم استدلال می‌نمایند که] عقل سلیم^۱ می‌گوید که عموم مردم در اغلب کشورهای جهان می‌توانند هنگام مشاهده سلسله بمب‌گذاری‌ها، بمب‌گذاری‌های انتحاری، حملات تیراندازی، گروگان‌گیری^۲، آدم‌ربایی و تهدید به چنین اقداماتی، به‌ویژه هنگامی که بسیاری از این اقدامات عمدتاً غیرنظامیان را مورد هدف قرار می‌دهد، تروریسم را تشخیص دهند» (Wilkinson, 2006, p. 1).

در رابطه با مبانی روش‌شناسی جریان اصلی در حوزه مطالعات تروریسم باید گفت که در تحقیقات انجام‌شده توسط جریان اصلی که اغلب تحقیقات انجام‌شده در حوزه مطالعات تروریسم را شامل می‌شود تمایل به استفاده از روش‌های تحقیقاتی اثبات‌گرایانه و تجربی^۳ وجود دارد که شامل جمع‌آوری داده‌های کمی قابل مشاهده، مطالعه موردی و داده‌های تاریخی^۴ می‌باشد. در این راستا اغلب تحقیقات انجام‌شده در حوزه مطالعات تروریسم، محققان بر اطلاعات ثانویه جمع‌آوری شده از رسانه‌های خبری، منابع دولتی یا سازمان‌های اطلاعاتی اتکا می‌نمایند (Jackson, 2009, pp. 70-71).

مطالب این بخش را با ذکر انتقادات «راجر مک‌گینتی»^۵ به جریان اصلی در مطالعات تروریسم به پایان می‌بریم؛ «مک‌گینتی» معتقد است که بسیاری از محققان «جریان اصلی مطالعات تروریسم» در یک جهان دوگانه خوب و بد، و مشروع و نامشروع زندگی می‌کنند. آن‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که به‌سادگی وجود ندارد. حوزه مطالعات راست‌کیشانه تروریسم آکنده از محققان فوق‌العاده بنجل شده است. در این حوزه، تحقیقات اصیل بسیار اندکی انجام می‌شود. «باز یافت» بسیار زیاد است. تحقیقات نسبتاً قدیمی با وجود این که اغلب بر نمونه‌های تکان‌دهنده کوچک مبتنی هستند، دائماً مورد استناد قرار می‌گیرند. قیاس‌گیری‌های بدون دقت^۶ از یک زمینه به زمینه دیگر ایجاد می‌شود، مثل این مورد که خشونت سیاسی در کنار مجموعه‌ای از قوانین جهان‌شمول غیرقابل تغییر قرار دارد. درنهایت، جریان اصلی مطالعات تروریسم بخشی از یک پروژه سیاسی است که مشتاق یافتن شیوه‌هایی برای توجیه خارج از اعتدال بودن دولت و انقیاد آزادی‌های عمومی به نام «امنیت» می‌باشد. فقدان توجه جدی به خشونت دولتی که بدون هرگونه توضیحات روش‌شناختی

-
1. common sense
 2. hostage-takings
 3. positivist and empiricist research methodologies
 4. case study and historical data
 5. careless extrapolations

جدی برای انتخاب موضوع آشکار می‌شود تنها می‌تواند ناشی از سیاست به‌عنوان دلیلی اساسی باشد (Mac Ginty, 2012, p. 34).

۲-۱. مشخصه‌های تروریسم معاصر، از منظر جریان اصلی مطالعات تروریسم
 ۱-۲-۱. دارا بودن اهداف، گرایش‌ها و باورهای عرفانی و مذهبی (اسلام سلفی- تکفیری، مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، سیک و بودایی)

«آرسنان. کرچلس»^۱ معتقد است که تروریسم جدید^۲ برخلاف تروریسم قدیمی^۳ که صرف‌نظر از نوع قومی- ملی‌گرایانه^۴، آنارشویست یا چپ جدید آن دارای اهداف سکولار و سیاسی بود، به‌واسطه اهداف عرفانی و مذهبی شناخته می‌شود. این ویژگی به‌ویژه در گروه‌های تروریستی جهادی^۵ برجسته می‌گردد که به تفسیری پاک‌دینانه، خصمانه و بسیار خشن از اسلام^۶ پایبند هستند. باین‌حال، چنین تمایلاتی در مسیحیت، یهودیت و هندوئیسم و هم‌چنین در بین سیک‌ها و بودایی‌ها نیز تشخیص داده‌شده است (Kurtulus, 2012, p. 43). «ایزابل دویوشتین و لینا ملکی» ضمن رد عنوان «تروریسم جدید» و مغالطه دانستن آن به یکسان‌بودن مشخصه‌ها و مؤلفه‌های گروه‌های تروریستی قدیمی و جدید اشاره می‌نمایند و به ذکر دیدگاه پاره‌ای از محققان که به تفاوت تروریسم قدیم و جدید (یا معاصر) اعتقاد دارند می‌پردازند و با ذکر نکاتی که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد آن استدلال‌ها را زیر سؤال می‌برند. «دویوشتین و ملکی» عنوان می‌دارند که: یکی از استدلال‌ها در مورد تروریسم جدید آن است که اهداف بازیگران از دستورکارهای سیاسی به تمرکز بر مباحث مذهبی تغییر یافته است. جنبش‌های تروریستی سنتی از ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه یا چپ‌گرایانه حمایت می‌نمودند. این حمایت به‌تازگی به سمت گرایش‌های مذهبی رفته است و از این‌رو، برچسب «جدید» به‌کاربرده می‌شود (Duyvesteyn & Malkki, 2012, p. 53).

۲-۲-۱. پیگیری یک استراتژی خاص توسط تروریست‌های معاصر یا جدید؛ هر هدفی، در هر زمانی، در هر مکانی و با هر ابزاری

1. Ersun N. Kurtulus

2. old terrorism

3. new terrorism

4. ethno-nationalistic

5. jihadist terrorist groups

6. a puritan, belligerent and extremely violent interpretation of Islam

«اسملسر و میچل» در رابطه با استراتژی تروریست‌های معاصر عنوان می‌دارند که «سیر تکاملی تروریسم از جنگ جهانی دوم - مبارزات [ضد] استعماری،^۱ گروگان‌گیری،^۲ هواپیماربابی،^۳ آدم‌کشی،^۴ بمب‌گذاری انفجاری و بمب‌گذاری انتحاری در خودرو و هواپیما - نشان‌دهنده یک بی‌رحمی قطعی در ارتکاب خشونت می‌باشد: هر هدفی، در هر زمانی، در هر مکانی و با هر ابزاری.^۵ پاداش مهم [تروریست‌ها] فوریت، غافل‌گیری، تکان و ایجاد واکنش‌های خوف و وحشت^۶ می‌باشد» (Smelser & Mitchell, 2002, pp. 10-11).

۱-۲-۳. دارا بودن ساختارهای شبکه‌ای افقی و غیر سلسله مراتبی (ساختار سلولی غیر سلسله مراتبی بدون مرکزیت)

«کرچلس» عنوان می‌دارد که اگرچه تروریسم قدیم تقریباً همواره دارای ساختارهای سازمانی سلسله مراتبی بود که کمیته‌های مرکزی یا شوراهای نظامی اغلب کنترل شدیدی بر فعالیت‌های تروریستی اعمال می‌نمودند، لکن تروریسم جدید بر اساس شبکه‌های افقی^۷ مبتنی بر «گروه‌های غیرگروهی» با «سلسله مراتب اندک»^۸ عمل می‌نماید. در سازمان‌های تروریستی جدید هیچ رهبر مرکزی، فرمان یا قرارگاه واحدی^۹ وجود ندارد و شبکه به‌عنوان یک کل یا فاقد هرگونه سلسله‌مراتب است یا دارای سلسله مراتب اندکی می‌باشد و ممکن است چندین رهبر داشته باشد. این «ماهیت چندجهته قدرت و نفوذ»^{۱۰} به‌ویژه در شیوه عمل نمونه اصلی [و الگوی مجسم] تروریسم جدید و شبکه‌های تروریستی جدید، یعنی سازمان القاعده، مشهود می‌باشد. مضاف بر این، تمایل به اقدام از طریق شبکه‌های افقی، سلول‌های خود آغازگر یا افراد رادیکالیزه شده^{۱۱} پس از حملات ۱۱ سپتامبر افزایش یافته است (Kurtulus, 2012, pp. 43-44). درحالی‌که سازمان‌های تروریستی سنتی نظیر ارتش جمهوری خواه ایرلند (IRA)^{۱۲} و فراکسیون ارتش سرخ (RAF)^۱ آلمان عمدتاً به‌عنوان

1. colonial struggles
2. hostage-taking
3. hijacking
4. assassination
5. any target, at any time, in any place, and by any means
6. quickness, surprise, shock, and generating reactions of horror and terror
7. horizontal networks
8. 'non-group groups' with 'little hierarchy'
9. no single, central leadership, command or headquarters
10. multi-directional nature of power and influence
11. self-starter cells or self-radicalised individuals
12. Irish Republican Army (IRA)

سازمان‌های سلسله مراتبی همراه با یک رهبری ارشد که به کادرهای زیردست دستور می‌داد عمل می‌کردند، گفته می‌شود که تروریست‌های جدید در یک ساختار شبکه‌ای منعطف^۲ عمل می‌کنند. اخیراً استدلال شده است که سازوکار نحوه عمل فعلی سازمان‌های تروریستی، «جهادی بدون رهبر»^۳ می‌باشد. علاوه بر این، تروریسم مبتنی بر بازیگر تنها^۴ که توسط افرادی که افراط‌گرا شده‌اند، اجرا می‌شود به‌عنوان یک ویژگی ظاهری جدید پیرامون نحوه عمل تروریستی مطرح شده است (Duyvesteyn & Malkki, 2012, pp. 51-52).

۴-۲-۱. فرهنگ و ذهنیت خاص تروریست‌های معاصر؛ نگرش مطلق‌گرایانه (جهان‌بینی خیر و شر) و مقاومت در برابر مذاکره، چانه‌زنی و مصالحه

«اسملسر و میچل» بیان می‌دارند که فرهنگ و ذهنیت [یا طرز فکر] تروریست‌های معاصر ریشه در مطلق‌گرایی^۵ و یا جهان‌بینی خیر و شر^۶ و مقاومت در برابر مذاکره دارد، زیرا توافق، چانه‌زنی و مصالحه متقابل قابل قبول^۷ در چهارچوب ذهنی بسیاری از تروریست‌ها جایی ندارد. نتیجه تروریسم مبتنی بر اصول مطلق مذهبی آن است که در مقابل سازوکارهای صلح‌آمیز متقاعدسازی و تأثیر^۸ مقاومت می‌نماید. به‌علت قوت و استحکام این اصول، [تروریست‌ها] به هرگونه تغییری جواب منفی می‌دهند. این ذهنیت [یا طرز فکر] مطلق و غیراقتضامند [یا غیر وابسته]^۹ اغلب در کنار دیگر ویژگی‌های تروریست‌ها قرار می‌گیرد که تنها می‌تواند تحت عنوان خردگرا [یا عقلایی] و تطابق‌پذیر [یا سازوارپذیر] توصیف گردد: [ادرا بودن] یک حس تند [یا حاد] از حقیقت و آزمایش حقیقت، خلاقیت، مانورپذیری، نبوغ و ظرفیت ابزاری^{۱۰} که در برنامه‌ریزی و اجرای حملات تروریستی مشهود می‌باشد (Smelser & Mitchell, 2002, p. 11).

1. Red Army Faction (RAF)
2. a loose network structure
3. leaderless jihad
4. lone actor terrorism
5. absolutist
6. good-and-evil world views
7. accommodation, bargaining, and mutually acceptable compromise
8. mechanisms of peaceful influence and persuasion
9. absolute, noncontingent mentality
10. a sharp sense of reality and reality testing, inventiveness, maneuverability, ingenuity, and instrumental capacity

۱-۲-۵. انتخاب اهداف به صورت کور و غیرگزینشی

به اعتقاد «کرچلس»، برخلاف تروریسم قدیمی که اغلب اهداف انتخاب شده خود را گزینش می‌نمود و حملاتی جراحی‌گونه^۱ علیه نمایندگان دولت، پرسنل نظامی و پلیس ترتیب می‌داد، تروریسم جدید تمایل به انجام حملات کور^۲ با هدف مشخص ایجاد تلفات انبوه دارد. از زمان ظهور تروریسم جدید شاهد افزایش تدریجی تعداد تلفات در هر حمله تروریستی هستیم (Kurtulus, 2012, pp. 43-44). «دیوشتین و ملکی» عنوان می‌دارند که استدلال می‌شود ابزارهایی که توسط تروریست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند با توجه به تأثیری که آن‌ها به دنبال آن هستند، از حملات بمب‌های کوچک و هواپیماربابی به حملات با تلفات انبوه تغییر یافته‌اند (Duyvesteyn & Malkki, 2012, pp. 55-56).

۱-۲-۶. بدون وطن بودن تروریسم معاصر

«تروریسم معاصر اغلب بدون وطن^۳ می‌باشد و محدود به سرزمین نیست و عمدتاً به شکل شبکه‌های سیال^۴ عمل می‌نماید که از نظر سیاسی و دیپلماتیک تقریباً غیرقابل دسترسی هستند» (Smelser & Mitchell, 2002, p. 11). نمود عینی این موضوع را می‌توان در کشور سوریه مشاهده نمود که تروریست‌هایی از سراسر جهان در این کشور حضور یافتند.

۱-۲-۷. تلاش در راستای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی (WMD) و استفاده از آن به منظور تحمیل تلفات انبوه

«کرچلس» بر این باور است که سازمان‌های تروریستی جدید با هدف ایجاد تلفات انبوه، قصد و احتمالاً توانایی دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی - یعنی تسلیحات شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک و هسته‌ای را دارند. تسلیحات کشتار جمعی (WMD) کاملاً زینده گروهی است که اهداف حداکثری و جهان‌بینی مبتنی بر آخرت دارد و به دنبال تحقیر و نابودی دشمنان خود می‌باشد. همچنین ادعا می‌شود که هم محدودیت و هم موانع فنی استفاده از چنین تسلیحاتی توسط تروریست‌ها به تدریج از بین می‌روند (Kurtulus, 2012, pp. 44-45). «دیوشتین و ملکی» بر این باورند که

1. surgical attacks
2. indiscriminate attacks
3. stateless
4. fluid networks

استدلال دیگر در مورد تروریسم جدید آن است ابزارهایی که با آن حملات تروریستی انجام می‌گیرد از مواد منفجره معمولی به تسلیحات کشتار جمعی تغییر یافته است. مهم‌ترین ابزار مورد استفاده برای انجام یک حمله تروریستی همچنان بمب می‌باشد، مخصوصاً بمب‌های جاسازی شده در ماشین^۱ شهرت بی‌سابقه‌ای دارد. به‌طور متناقض، مهم‌ترین ابزار قبل از ظهور دینامیت، یعنی بمب نیتروگلیسرین^۲، یک رسانس کوچک را تجربه نموده است. این ماده عمدتاً به‌دلیل کمبود جایگزین مورد استفاده قرار می‌گرفت، لکن به‌دلیل بی‌ثباتی آن بدنام می‌باشد. تسلیحات کشتار جمعی یا به‌طور دقیق‌تر، تسلیحات NBCR (هسته‌ای، بیولوژیک، شیمیایی و رادیولوژیک) و خطراتی که آن‌ها به‌واسطه قرار گرفتن در دست سازمان‌های تروریستی دارند مورد توجه زیاد دانشگاهیان، اتاق‌های فکر و مطبوعات محبوب قرار گرفته‌اند (Duyvesteyn & Malkki, 2012, pp. 53-54).

۱-۲-۸. رسانه محور بودن؛ اتکای بیش از حد تروریسم معاصر به رسانه

«بریجت ناکوس» رابطه بین رسانه و تروریست‌ها را تحت عنوان «ازدواج مصلحتی»^۳ تعریف می‌کند که تروریست‌ها برای ارسال پیام‌های خود به رسانه نیاز دارند و رسانه نیز تروریسم را به‌عنوان ابزاری برای ارتقای رتبه‌بندی خود^۴ [و دیده شدن] در نظر می‌گیرد. این نشان می‌دهد که بین جنگ‌جویان غیردولتی^۵ و رسانه یک رابطه هم‌زیستی^۶ وجود دارد (Nacos, 2002, p. 9). «سیب و جان‌بک» نیز تروریسم را به‌عنوان یک کنش ارتباطی^۷ معرفی می‌کنند و این‌گونه عنوان می‌دارند که اقدامات خشونت‌آمیز تروریست‌ها و استراتژی‌های ارتباطاتی آن‌ها به‌شدت به هم گره خورده است (Seib & Janbek, 2011, p. 1). «بنیامین کول» معتقد است که رسانه‌های جدید فرصتی برای جنگ‌جویان غیردولتی فراهم ساخته‌اند تا پیام خود را به یکدیگر برسانند، مردم را باهم متحد سازند، تحریک به انجام خشونت نمایند و مبارزه خود به‌منظور کسب مخاطبان گسترده‌تر را مشروع سازند (Cole, 2006, p. 4). «پل راجرز» معتقد است یکی از قابل‌توجه‌ترین تحولات در جنبش‌های شبه‌نظامی، استفاده از

1. car bomb
2. nitroglycerine bomb
3. marriage of convenience
4. a means of boosting their ratings
5. non-state combatants
6. a symbiotic relationship
7. terrorism as a communicative act

رسانه‌های جدید به‌منظور تبلیغ اقدامات، ترویج انگیزه و فضای ناراضیتی آن‌ها بوده است (Rogers, 2008, pp. 181-182). «بروس هافمن» معتقد است که در دهه ۱۹۹۰، ظهور سه پیشرفت فناورانه جدید (اینترنت، فرایندهای تولید و تکثیر ویدئو و ایستگاه‌های تلویزیونی خصوصی متعلق به تروریست‌ها)، تروریست‌ها را قادر ساخت تا فرصت شکستن کنترل شدید اعمال‌شده بر ارتباطات جمعی که تاکنون توسط رسانه‌های تجاری و دولتی انجام می‌پذیرفت را پیدا کنند (Hoffman, 2006, p. 174).

۱-۲-۹. عمل‌نمودن تروریسم معاصر در مقیاسی فراملی و جهان‌گستر

این‌گونه استدلال می‌شود که بازیگران تروریست در عملیات خود از تمرکز صرفاً محلی و ملی به تمرکز فراملی و غیر محلی تغییر فاز داده‌اند. در اینجا ادعای اصلی آن است که سازمان‌های تروریستی سنتی عمدتاً در درون یک قلمرو ملی همراه با یک دستور کار و تمرکز ملی عمل می‌نمودند. در مقابل، سازمان‌های تروریستی جدید دیگر خود را محدود به پرداختن به مخاطبان ملی و دستورکارهای ملی نمی‌نمایند، در عوض آن‌ها در یک مقیاس جهان‌گستر عمل می‌کنند و یک دستورکار بین‌المللی را دنبال می‌کنند (Duyvesteyn & Malkki, 2012, pp. 52-53).

۱-۲-۱۰. تشابه تروریسم معاصر با دیگر پدیده‌های اجتماعی

«اسملسر و میچل» معتقدند که برخی از خصوصیات تروریسم معاصر با تعدادی از دیگر شرایط تاریخی شناخته‌شده مشترک می‌باشد. خود گروه‌های تروریستی، تعدادی از پدیده‌های دیگر با تشابه محدود که می‌توانند انجام دهند را به‌کار می‌گیرند، نظیر: (۱) بزه [یا جرم] و بی‌نظمی، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی (به‌عنوان نمونه، تجارت بین‌المللی مواد مخدر)؛ (۲) جنگ چریکی؛ (۳) راهزنی [یا سرقت] اجتماعی؛ (۴) آئین‌های دینی، فرقه‌ها، جادوگران و گروه‌های شیطان‌پرست و باشگاه‌های خودکشی؛ (۵) جنبش‌های اجتماعی افراطی و رفتارهای جامعه‌ستیزانه^۵ (Smelser & Mitchell, 2002, p. 12).

1. crime and disorder
2. guerilla warfare
3. social banditry
4. cults, sects, witchcraft and satanic groups, suicide clubs
5. sociopathic behavior

جدول شماره ۱: ده ویژگی تروریسم معاصر

منبع	ده مشخصه تروریسم معاصر یا جدید
(Kurtulus, 2012, p. 43) (Duyvesteyn & Malkki, 2012, p. 53)	دارا بودن اهداف، گرایش‌ها و باورهای عرفانی و مذهبی (اسلام سلفی- تکفیری- مسیحیت: یهودیت: هندوئیسم: سیک: و بودایی)
(Smelser & Mitchell, 2002, pp. 10-11)	پیگیری یک استراتژی خاص توسط تروریست‌های معاصر یا جدید: هر هدفی، در هر زمانی، در هر مکانی و یا هر ابزاری
(Kurtulus, 2012, pp. 43-44)	دارا بودن ساختارهای شبکه‌ای افقی و غیر سلسله مراتبی (ساختار سلسله مراتبی غیر سلسله‌مراتبی بدون مرکزیت)
(Smelser & Mitchell, 2002, p. 11)	فرهنگ و ذهنیت خاص تروریست‌های معاصر: دارا بودن نگرش مطلق‌گرایانه (جهان‌بینی خیر و شر) و مقاومت در برابر مذاکره، چانه‌زنی و مصالحه
(Kurtulus, 2012, pp. 43-44)	انتخاب اهداف به‌صورت کور و غیرگزینشی
(Smelser & Mitchell, 2002, p. 11)	بدون وطن بودن تروریسم معاصر
(Kurtulus, 2012, pp. 44-45)	تلاش در راستای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی (WMD) و استفاده از آن به‌منظور تحمیل تلفات انبوه
(Rogers, 2008, pp. 181-182) (Hoffman, 2006, p. 174) (Seib & Janbek, 2011, p. 1)	رسانه‌محور بودن تروریسم معاصر: اتکای بیش از حد تروریسم معاصر یا جدید به رسانه
(Duyvesteyn & Malkki, 2012, pp. 52-53)	عمل‌نمودن تروریسم معاصر یا جدید در مقیاسی فراملی و جهان‌گستر (و نه مقیاسی صرفاً محلی)
(Smelser & Mitchell, 2002, p. 12)	تشابه تروریسم معاصر با پدیده‌های اجتماعی نظیر (۱) بزه (یا جرم) و بی‌نظمی (نظیر تجارت بین‌المللی مواد مخدر)؛ (۲) جنگ چریکی؛ (۳) راهزنی (یا سرقت) اجتماعی؛ (۴) آیین‌های دینی، فرقه‌ها، جادوگران و گروه‌های شیطان‌پرست، و باشگاه‌های خودکشی؛ (۵) جنبش‌های اجتماعی افراطی و رفتارهای جامعه‌ستیزانه

منبع: نگارندگان

۱-۳. چهارچوب مفهومی

دیکشنری «پالگریو مک‌میلان» درباره دیپلماسی اصطلاح «دیپلماسی» را ناظر بر چهار معنا می‌داند: (۱) اداره [او هدایت] روابط میان دولت‌های دارای حاکمیت توسط مقامات [یا مأموران] که در داخل یا خارج از کشور مستقر می‌باشند، که این افراد یا اعضای سرویس‌های دیپلماتیک یا از دیپلمات‌های موقت دولت متبوع خود هستند. بنابراین دیپلماسی شامل استقرار نمایندگان در سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد؛ (۲) استفاده از درایت در مواجهه با مردم. دیپلماسی به این معنا مهارتی است که در انجام دیپلماسی [در معنای قبلی] بسیار مهم است. البته تمایز زیادی میان روش مناسب برای انجام یک کار و عملکرد واقعی آن وجود دارد؛ (۳) هرگونه تلاش در راستای ترویج مذاکرات [در سطح] بین‌المللی (به‌ویژه در شرایط بحران حاد)، خواه منازعه‌های بینا دولتی، خواه منازعه‌های فرا دولتی؛ (نگاه کنید به دیپلماسی مسیر دوم)؛ (۴) سیاست خارجی. استفاده از اصطلاح «دیپلماسی» به‌عنوان مترادفی برای سیاست خارجی، که به‌ویژه در ایالات‌متحده رایج است، می‌تواند تمایز کلیدی میان سیاست‌گذاری و ابزار (صلح‌آمیز) که از طریق آن

1. The Palgrave Macmillan Dictionary of Diplomacy
2. sovereign states
3. use of tact in dealing with people
4. inter- or intrastate conflicts
5. track two diplomacy
6. policy and the (nonviolent) means

سیاست‌گذاری اعمال می‌گردد را پنهان نماید (Berridge & Lloyd, 2012, pp. 97-98). «مارکوس کورن‌پراست» در فصلی از کتاب معروف «راهنمای دیپلماسی سیج»، پنج چشم‌انداز حول سه مفهوم «حکومت‌داری»، «استراتژی» و «دیپلماسی» را مطابق جدول شماره ۲ به تصویر می‌کشد.

جدول شماره ۲: پنج چشم‌انداز حول سه مفهوم «حکومت‌داری»، «استراتژی» و «دیپلماسی»

دیپلماسی (Diplomacy)	استراتژی (Strategy)	حکومت‌داری (Statercraft)	واقع‌گرایان کلاسیک (Classical realism)
ایجاد موازنه قدرت (Crafting balance of power)	برنامه‌ریزی به منظور انتخاب ابزارها در راستای دستیابی به یک هدف (Plan for choosing means to achieve an end)	انتخاب محتاطانه ابزارها در راستای تضمین بقا (Prudent choice of means to secure survival)	برون‌نگری (Rational choice)
از طریق چانه‌زنی ابزارآبادهای بین‌المللی انجام می‌شود (Bargaining international institutions into being)	طرح‌ریزی کادری متوالی در راستای دستیابی به اولویت‌ها (Sequential plan of moves to attain preference)	محاسبه هزینه‌ها و منافع (Compute costs and benefits)	رویکرد [گرایش عقلانی] (Rational choice)
بهره‌گیری از قدرت بدون بهانه درازمدت جنگ (Wielding power without waging war)	برنامه‌ریزی تطبیقی (آب‌مردی) برای انتخاب ابزارها در راستای دستیابی به یک هدف (Adaptive plan for choosing means to achieve an end)	استفاده از شهود در راستای آگشاف و دستیابی به منافع (Putting heuristics to use to serve interest)	رویکردهای شناختی (Cognitive approaches)
از طریق برقراری ارتباط یا دیگران در نظم جهان‌گستر انجام می‌شود (Communicating global order into being)	تعمیر کردن جهت‌تغییر با روابط بین‌الملل (Compass for coping with international relations)	زمینه (یا بستری) به‌عنوان منبعی برای استدلال او تغل (Context as resource for reasoning)	رویکردهای فرهنگی (Culturalist approaches)
از طریق برقراری ارتباط بدون ملاحظه یا دیگران در نظم غیرعادلانه جهان‌گستر انجام می‌شود (Unreflexively communicating unjust global order into being)	استراتژی بدون استراتژیست (Strategy without strategist)	استدلال او تغل بوسه و آبتنی بر عادت (Habitual reasoning)	رویکردهای انتقادی (Critical approaches)

(Kornprobst, 2016, p. 55)

«آر. پی. برستن» در کتاب «دیپلماسی مدرن» وظایف «دیپلماسی» را (۱) تشریفات (ارعایت) پروتکل، نمایندگی (در روابط بین‌الملل)، و دیدارها (دیپلماتیک)؛ (۲) مدیریتی (احل) مشکلات روزمره، پیشبرد منافع (سیاسی، اقتصادی، علمی، نظامی، گردشگری)، تبیین و دفاع از سیاست [کشور]، تقویت روابط دوجانبه، هماهنگی دوجانبه، و همکاری چندجانبه)؛ (۳) [جمع‌آوری] اخبار و ارتباطات (ارزیابی و گزارش، و رصد)؛ (۴) [انجام] مذاکرات بین‌المللی؛ (۵) وظیفه حفاظت؛ (۶) [کمک و] مساهمت به [حفظ] نظم بین‌الملل (وظیفه) [هنجاری، ایجاد قواعد [دلخواه]، و میانجی‌گری/ حل‌وفصل مسالمت‌آمیز [منازعه‌ها و بحران‌ها]؛ معرفتی می‌کند (Barston, 2013, p. 2).

مطالب این بخش را با اشاره به «دیپلماسی دفاعی و اطلاعاتی» که توسط «اندرو ام. دورمن» و «متیو آر. اچ. اتلی» در فصلی از کتاب «دیپلماسی جهان‌گستر: نظریه‌ها، انواع و مدل‌ها» توضیح داده شده است به پایان می‌بریم. «دورمن و اتلی»، وظایف «دیپلماسی دفاعی و اطلاعاتی» در زمان صلح را شامل ارسال پیام، شراکت و

1. Ceremonial (protocol, representation, visits)
2. Information and communication (assessment and reporting, monitoring)
3. International negotiation
4. Duty of protection
5. Contribution to international order (normative, rule making, mediation/pacific settlement)
6. Defense and Intelligence Diplomacy

اتحاد [با دیگر کنش‌گران] و اقتصادی [فروش تجهیزات نظامی به سایر کشورها] معرفی می‌نمایند. از منظر این دو محقق، وظایف «دیپلماسی دفاعی و اطلاعاتی» در زمان بحران شامل چانه‌زنی، وادارسازی [یا وادارندگی از طریق تهدید به استفاده از زور]، تخلیه [نیروهای خودی از مناطق بحران] و سایر عملیات‌ها می‌باشد. «دورمن و اتلی»، وظایف «دیپلماسی دفاعی و اطلاعاتی» در زمان جنگ و منازعه را مدیریت و یا محدود کردن درگیری، [تشکیل] اتحادها و ائتلاف‌ها و [ایفای نقش به‌عنوان] طرف ثالث [بین طرفین درگیری]، و پایان‌دادن به منازعه^۱ برمی‌شمرند (Dorman & Uttley, 2016, p. 201-210).

با عنایت به جمیع نکات فوق‌الذکر، می‌توان گفت که منظور از دیپلماسی در این پژوهش، مجموعه‌ای از اقدامات صلح‌آمیز شامل (۱) ارسال پیام؛ (۲) روشنگری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم؛ (۳) چانه‌زنی؛ (۴) اقناع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در ضربه زدن به تروریست‌ها؛ (۵) وادارسازی؛ (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در»^۲ (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)؛ (۶) اثبات اشراف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشورهای میزبان؛ (۷) شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه‌سازی)؛ (۸) دیگر روش‌های پیشبرد منافع کشور (که تحت عنوان سیاست هویج از آن یاد می‌شود) می‌باشد که توسط نهادهای ایرانی اعم از نهادهای بالادستی («شورای عالی امنیت ملی» یا شعام و «شورای امنیت کشور» یا شاک)، و یا نهادهای اطلاعاتی - امنیتی (واجا یا «وزارت اطلاعات»، «سازمان اطلاعات سپاه» و در موارد معدود، «معاونت اطلاعات فراجا»، و یا نهادهای نظامی («ستاد کل نیروهای مسلح»، «نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و «حفاظت اطلاعات‌های سپاه، ارتش، وزارت دفاع و فرماندهی انتظامی»)، و یا نهادهای سیاسی («ریاست جمهوری»، «وزارت امور خارجه» یا واخ، «مجلس شورای اسلامی» و در موارد معدود، «سازمان انرژی اتمی»، و یا نهاد قضایی («معاونت حقوق بشر قوه قضاییه» و در موارد معدود، «دادستانی کل کشور») با

1. Signalling, Partnering and Alliances, Economic
2. Bargaining, Compellence, Evacuations and other operations
3. Managing and/or limiting the conflict, Alliances and Coalitions and Third Parties, Ending the conflict
4. Compellence
5. The Tit for Tat strategy

هدف کاهش تأثیر منفی تروریسم بر زندگی مردم ایران و امورات دولتی انجام می‌پذیرد.

۲. گروه‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه مردم و نظام ج.ا. ایران

از حیث ریشه‌های تروریسم، جمهوری اسلامی ایران در دوران معاصر (از سال ۲۰۰۰ به بعد) با جریان تروریستی شش‌ضلعی شامل تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق)، تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر، و ارتش مردمی)، تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حزب دموکرات کردستان یا حدکا، کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران یا سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران، حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک، حزب آزادی کردستان یا پاک، سازمان خبات انقلابی کردستان ایران یا خبات، جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان یا کودار)، تروریسم قومیت‌گرا-مذهبی (جندالله و جیش‌العدل)، تروریسم قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حرکت النضال العربی لتحریر الأحواز یا الاحوازیه) و تروریسم مذهبی (داعش) مواجه بوده است که خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را متوجه مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران (در معنای روابط بین‌المللی آن) نموده است. در جدول شماره ۳، شش ضلع گروه‌های تروریستی از حیث دارا بودن یا نبودن ویژگی‌های ده‌گانه تروریسم معاصر یا جدید مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که گروهک خبات اگرچه در زمره تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا- جدایی‌طلب دسته‌بندی شده است، لکن پایه‌گذار این گروه، شیخ جلال‌الدین حسینی روحانی اهل تسنن شهر بانه بود که در ۵ شهریور ۱۳۵۹ موجودیت گروه را اعلام و عنوان «سازمان خبات ملی و اسلامی کردستان ایران» را برای آن تعیین نمود. یکی از اعضای این گروه با نام «ملاخدر عباسی» که از اعضای کادر مرکزی سازمان خبات بود در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۶ انشعاب نمود و گروه جدید با عنوان «سازمان خبات انقلابی کردستان ایران» را بنیان نهاد. قرارداد خبات در زمره سازمان‌های چپ‌گرا ناشی از انشعاب‌های بعدی در این گروه دارای ریشه‌های اسلامی می‌باشد.

یک سازمان تروریستی فعال، محصول یک گروه انگیزه‌مند^۱ همراه با ابزارهایی برای انجام اقدامات تروریستی می‌باشد. در نتیجه معادله ترور^۲ یک تابع دو متغیره است: انگیزه ضربدر قابلیت^۳. همین معادله را می‌توان به منظور فهم اهداف ضد تروریستی استفاده کرد. با کاهش قابلیت‌های یک سازمان تروریستی یا کاهش انگیزه‌های تروریست‌ها، می‌توان از حملات تروریستی جلوگیری کرد. کاهش یکی از متغیرها به صفر می‌تواند به نحو چشم‌گیری مانع از انجام حملات تروریستی شود. بنابراین، حتی اگر یک گروه [برای انجام حملات تروریستی] دارای انگیزه باشد، لکن فاقد قابلیت‌های عملیاتی باشد، حملات تروریستی رخ نمی‌دهد. مخالف این حالت نیز صحیح است: زمانی که یک سازمان تروریستی دارای توانمندی باشد، لکن اعضا و رهبران آن فاقد انگیزه باشند، حمله‌ای صورت نمی‌گیرد (Ganor, 2012, p. 183).

هیچ‌یک از گروه‌های تروریستی شش ضلعی در خاک ایران مستقر نیستند و تمامی آن‌ها «بدون وطن» هستند. کشور همسایه، عراق میزبان تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا-جدایی طلب (حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات، و کودار) می‌باشد و دیگر کشور همسایه یعنی پاکستان میزبان تروریسم قومیت‌گرا-مذهبی (جندالله و جیش‌العدل) است. تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق) فعلاً در آلبانی مستقر است. تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (تندر، و ارتش مردمی) عمدتاً از ایالات‌متحده و کشورهای شمال اروپا (عمدتاً هلند) مدیریت می‌شود. تروریسم قومیت‌گرا-جدایی طلب (الاحوازیه) در حوزه اسکاندیناوی (عمدتاً دانمارک) بروز و ظهور دارد و تروریسم مذهبی (داعش) عمدتاً عراق و سوریه را جولانگاه خود ساخته است.

اعضای تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا-جدایی طلب (حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات، و کودار) عمدتاً از کردهای ایران هستند. تروریسم قومیت‌گرا-مذهبی (جندالله و جیش‌العدل) از میان بلوچ‌ها (عمدتاً بلوچستان ایران و در سطح کمتری از بلوچستان پاکستان) یارگیری می‌نماید. تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق) دارای اعضای ایرانی (از همه قومیت‌ها و از همه طبقات جامعه) می‌باشد. عمده افرادی که جذب تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (تندر، و ارتش مردمی) می‌شوند، جوانان ایرانی از همه قومیت‌ها با سطح تحصیلات پایین و عمدتاً

1. a motivated group

2. terror equation

3. motivation multiplied by capability

طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر هستند. تروریسم قومیت‌گرا-جدایی‌طلب (الاحوازیه) عمدتاً از میان عرب‌زبان‌های ایران عضوگیری می‌نماید. داوطلبان زیادی (عمدتاً کشورهای غرب آسیا و آسیای مرکزی) متقاضی پیوستن به تروریسم مذهبی (داعش) هستند و تمامی افرادی که تاکنون موفق به عملیات در داخل خاک ایران شده‌اند، ایرانی نبوده‌اند.

مشخص است که تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی ایالات متحده، کشورهای اروپایی، عراق و پاکستان کمال استفاده را برده و به سازماندهی تشکیلات و قوا (توانمندی‌های عملیاتی) می‌پردازند و چرخه عضوگیری خود را از میان مردم ایران برقرار نموده‌اند. دیپلماسی به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان و محروم‌نمودن تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی، انگیزه تروریست‌ها را جهت حمله به اهداف در داخل خاک ایران به‌شدت کاهش می‌دهد.

باید توجه نمود که ابزارهای اصلی دیپلماسی به‌منظور انجام این مهم، ارسال پیام، روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم، چانه‌زنی، اقناع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در ضربه‌زدن به تروریست‌ها، وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)، اثبات اشراف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشورهای میزبان، شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه‌سازی)، و سیاست هویج (ارائه پیشران‌های مالی-انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن) می‌باشد. در این راستا، «شیهان» به نکات مهمی اشاره می‌نماید: دیپلماسی سرچشمه یک استراتژی ضد تروریستی جامع بلندمدت بین‌المللی می‌باشد که به‌دنبال بی‌اعتبار ساختن سیاسی، اختلال در عملیات و درنهایت شکست دادن گروه‌های تروریستی خشن می‌باشد. دیپلماسی فراتر از گفت‌وگو است، دیپلماسی به‌کارگیری تمامی ابزارهای موجود سیاست خارجی به‌منظور تحت تأثیر قراردادن کشورها - هم متحدان و هم دشمنان به‌طور یکسان - برای محروم‌نمودن تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی که جهت انجام عملیات به آن نیاز دارند، می‌باشد. تعاملات دیپلماتیک شامل همکاری میان اطلاعات، [نیروهای] اعمال قانون

[که در ایران نیروی انتظامی نامیده می‌شود]^۱ و جوامع نظامی در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است (Sheehan, 2004, p. 113).
در جدول شماره ۴، نحوه عمل دیپلماسی در مورد اضلاع شش‌گانه تروریسم ضد ایرانی توضیح داده شده است.

جدول شماره ۴: نحوه عمل دیپلماسی در مورد اضلاع شش‌گانه تروریسم ضد ایرانی

نام گروه تروریستی	جهت‌گیری	کشور محل استقرار	ملیت اعضا	پایگاه اضلاعی اعضا	نحوه عمل دیپلماسی
حدا: کومله؛ یزاک؛ پاک: خیابان و کودار	تروریسم چپ‌گرا - فویستی‌گرا - چدامی‌طلب	کردستان عراق	عمدتاً ایرانی	فویستی (کرده) - سطح تحصیلات پایین - طبقات اجتماعی مختلف	ارسال پیام؛ چگونگی؛ اطلاع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در فزونی زدن به تروریسم؛ وادار سازی (سیاست تهدید به استفاده از چاقو) از طریق تهدید معنوی؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان؛ سیاست هویج (آهسته پیش‌برن‌های ملی)؛ پیش‌برن‌های ملی - انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن
جیش‌الله و جندبه	تروریسم فویستی‌گرا - مذهبی	پاکستان	عمدتاً ایرانی	فویستی (بلوچ) - سطح تحصیلات پایین - طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر	ارسال پیام؛ روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قوانین تروریسم؛ چگونگی؛ اطلاع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در فزونی زدن به تروریسم؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان؛ سیاست هویج (آهسته پیش‌برن‌های ملی) - انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن
سازمان مجاهدین خلق	تروریسم چپ‌گرا یا هست چپی	فلسطین	ایرانی	از همه فویستی‌ها - با همه نوع سطح تحصیلات - از همه طبقات جامعه	ارسال پیام؛ روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قوانین تروریسم؛ چگونگی؛ اطلاع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در فزونی زدن به تروریسم؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان؛ سیاست هویج (آهسته پیش‌برن‌های ملی) - انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن
تنبر	تروریسم راست‌گرا یا صفت راستی	ایالات متحده	ایرانی	از همه فویستی‌ها - سطح تحصیلات پایین - طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر	ارسال پیام؛ روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قوانین تروریسم؛ چگونگی؛ وادار سازی (سیاست تهدید به استفاده از چاقو) از طریق تهدید به در پیش گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن در جایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان)
ارتش مردمی	تروریسم راست‌گرا یا صفت راستی	کشورهای شمال آریا (عمدتاً هند)	ایرانی	از همه فویستی‌ها - سطح تحصیلات پایین - طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر	ارسال پیام؛ روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قوانین تروریسم؛ چگونگی؛ وادار سازی (سیاست تهدید به استفاده از چاقو) از طریق تهدید به در پیش گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن در جایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان)
الاحوابیه	تروریسم فویستی‌گرا - چدامی‌طلب	حوزه اسکندریه (عمدتاً دالمارک)	ایرانی	فویستی (عرب زبان) - سطح تحصیلات پایین - طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر	ارسال پیام؛ روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قوانین تروریسم؛ چگونگی؛ وادار سازی (سیاست تهدید به استفاده از چاقو) از طریق تهدید به در پیش گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن در جایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان)
هاش	تروریسم مذهبی (سلفی - تکفیری)	در عمده کشورهای تحت نفوذ جریان‌های سلفی	عرب ایرانی	از همه کشورها - سطح تحصیلات پایین - عمدتاً طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر	ارسال پیام؛ چگونگی؛ اطلاع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در فزونی زدن به تروریسم؛ وادار سازی (سیاست تهدید به استفاده از چاقو) از طریق تهدید معنوی؛ اثبات اثرات (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان؛ شرایط و اتحاد با کشورهای لگت علیه تروریسم؛ سیاست هویج (آهسته پیش‌برن‌های ملی) - انگیزشی

منبع: نگارندگان

۳-۲. تقلیل قابلیت‌های عملیاتی تروریست‌ها به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان و حامی در جهت خلع سلاح تروریست‌ها
«الکس پی. اشمید» به‌عنوان یکی از متخصصان مطرح حوزه تروریسم، ۱۲ قانون پیشگیری و مبارزه با تروریسم را بیان می‌دارد که در این بخش و به فراخور بحث، تنها به ذکر یکی از آن موارد دوازده‌گانه پرداخته می‌شود: «جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به اسلحه، مواد منفجره، اسناد سجلی [یا مدارک شناسایی] تقلبی، ارتباطات امن و مخفیگاه و سفرهای ایمن، ایجاد اختلال و ناتوان‌سازی عملیات و مقدمات عملیات تروریست‌ها از طریق نفوذ [یا رخنه]، رهگیری ارتباطات و جاسوسی و محدود کردن قابلیت‌های بزهکارانه و جمع‌آوری پول تروریست‌ها» (Schmid, 2011, p.). (38)

با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش قبلی و از آنجاکه گروه‌های تروریستی شش‌ضلعی در خارج از خاک ایران قراردادند، دیپلماسی به‌واسطه ارسال پیام، روشنگری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم، چانه‌زنی، اقناع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در ضربه زدن به تروریست‌ها، وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)، اثبات اشراف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشورهای میزبان، شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه سازی)، و سیاست هویج (ارائه پیشران‌های مالی-انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن) هم می‌تواند مانع دستیابی تروریست‌ها به اسلحه، مواد منفجره، مدارک شناسایی تقلبی، ارتباطات امن و مخفیگاه و سفرهای ایمن شود و هم خلع سلاح تروریست‌ها را محقق نماید.

بدیهی است که عملیات نظامی محدود در خاک کشور میزبان می‌تواند به‌عنوان پشتوانه دیپلماسی عمل نماید و وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی را معتبر نماید. یکی از نمودهای عینی تأثیر دیپلماسی بر خلع سلاح تروریست‌ها را می‌توان در مورد تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا-جدایی طلب (حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات، و کودار) مشاهده نمود که فشارهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران بر دولت عراق و اقلیم کردستان عراق نهایتاً نتیجه داد و منجر به دور نمودن این تروریست‌ها از مرزهای ایران و تسلیم سلاح‌های سنگین آن‌ها گردید.

۳-۳. مسدود نمودن یا مصادره منابع مالی و دارایی‌های تروریست‌ها

«پیلار» معتقد است یکی دیگر از ابزارهایی که دیپلماسی وسیله‌ای در حمایت از آن بوده است، کنترل مالی در قالب توقیف و یا مصادره دارایی‌های تروریستی^۱ می‌باشد. توقیف پول تروریست‌ها در سالیان اخیر مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است، اگرچه ابزارهای قانونی برای انجام این کار به مدت بسیار طولانی وجود داشته است. باین‌وجود، به‌استثنای دولت‌ها که حساب‌های مالی آن‌ها راحت‌تر از گروه‌ها یا افراد

1. financial control in the form of freezing or seizing of terrorist assets

شناسایی می‌شوند، میزان دارایی‌های مسدودشده تا زمان ۱۱ سپتامبر، زمانی که جلب کمک‌های دیگر دولت‌ها راحت‌تر گردید، اندک بود (Pillar, 2008, pp. 382-383). یکی از معضلاتی که جمهوری اسلامی ایران در عملیات ضد تروریسم خود با آن مواجه بوده است، حمایت مالی کشورهای ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و اسرائیل از گروه‌های تروریستی ضد ایرانی می‌باشد. اگرچه خود این کشورها تلاش نموده‌اند تا به واسطه دیپلماسی با کشورهای عرب‌زبانی نظیر عربستان سعودی، قطر، کویت و اردن نسبت به محدودسازی منابع مالی القاعده اقدام نمایند، لکن رهگیری و اثبات کمک‌های مالی این کشورهای غربی به تروریست‌های ایرانی امری دشوار است که به‌نوبه خود موجب کاهش تأثیر دیپلماسی در راستای محدود نمودن و قطع منابع مالی تروریست‌ها می‌گردد و این نکته‌ای است که «پیلار» بدان اشاره می‌نماید:

علی‌رغم ابراز امیدواری‌هایی که در رابطه با فرونشاندن تروریسم به‌واسطه قطع «خون زندگی‌بخش»^۱ آن یعنی پول وجود دارد، کمک به کنترل مالی به ضد تروریسم^۲ به دو دلیل همواره محدود خواهد بود: یکی این‌که بیشتر پول مرتبط با فعالیت‌های تروریستی از طریق کانال‌هایی جریان می‌یابد که شناسایی و رهگیری آن بسیار سخت است. این موضوع به‌خصوص در مورد شبکه‌های غیررسمی انتقال پول که به حواله معروف می‌باشد^۳ صدق می‌نماید که در غرب آسیا و آسیای جنوبی شایع است. دلیل دیگر آن است که اغلب اقدامات تروریستی ارزان هستند. سوار کردن یک بمب کامیونی یا بسیاری از ابزارهای دیگر برای تحمیل تلفات شدید چندان هزینه‌ای ندارد (Pillar, 2008, p. 383).

۴-۳. اشتراک‌گذاری اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های

اطلاعاتی ایران و بالعکس

«رابرت ام. کلارک» در ویرایش چهارم کتاب معروف خود با عنوان «تحلیل اطلاعات: یک رویکرد هدف‌محور» درباره اطلاعات به نکات مهمی اشاره می‌نماید: اطلاعات، درباره کاهش عدم قطعیت در منازعه می‌باشد^۴. کاهش عدم قطعیت نیازمند آن است که اطلاعات به اخباری دست یابد که حریف ترجیح می‌دهد در یک منازعه پنهان بماند. از آنجاکه اطلاعات در مورد منازعه‌ها می‌باشد، از عملیات‌هایی مانند برنامه‌ریزی

1. lifeblood
2. contribution of financial controls to counterterrorism
3. informal money transfer networks known as hawala
4. Intelligence is about reducing uncertainty in conflict

نظامی و نبرد، مذاکرات دیپلماتیک، مذاکرات تجاری و سیاست‌های بازرگانی و اجرای قانون (یا نیروی انتظامی) پشتیبانی می‌کند. مشتری اصلی اطلاعات^۱، فردی است که براساس اطلاعات عمل می‌کند؛ [نظیر] مقامات اجرایی، تصمیم‌گیرندگان، فرماندهان رزمی یا افسران اجرای قانون (Clark, 2013, p. 14).

پس از ذکر این توضیحات، اکنون لازم است که توضیحات دقیق «پیلار» در خصوص نقش «اطلاعات» در مقابله با تروریسم و حتی حمایت از «دیپلماسی» را مرور نماییم. «پیلار» در مقاله خود عنوان می‌دارد گویا ابزاری^۲ که در مباحث ضد تروریسم بیشترین تأکید بر روی آن صورت می‌پذیرد «اطلاعات» است. روشن ساختن جزئیات تاکتیکی [یا راه‌کنشانه] طرح‌های تروریستی همواره باید یکی از مأموریت‌های اطلاعات باشد و موفقیت‌های گاه و بیگاه در این زمینه از رضایت‌بخش‌ترین پیروزی‌های ضد تروریستی می‌باشد، لکن چنین موفقیت‌هایی همیشه نادر خواهند بود. برخی از طرح‌های تروریستی از جمله برخی از مهم‌ترین آن‌ها، همواره صرف‌نظر از ماهرانه و دارای پشت‌کار بودن عملیات‌های اطلاعاتی علیه آن‌ها کشف نمی‌شوند. اطلاعات سه کارکرد [یا کارویژه] دیگر هم دارد که کمک بزرگ‌تری به ضد تروریسم می‌نماید. یکی از این کارکردها ایجاد درکی استراتژیک‌تر از تهدیدهای تروریستی می‌باشد. آیا تهدیدها روبه افزایش هستند یا در حال کاهش، کدام گروه‌ها یا دولت‌ها بزرگ‌ترین خطرها را ایجاد می‌نماید، کدام حوزه‌های عملیاتی بیشتر مایه نگرانی هستند و غیره. چنین سنجش‌های استراتژیکی^۳ به هدایت سیاست‌گذاری حول تمامی جنبه‌های ضد تروریسم از جمله تمهیدات امنیتی تدافعی و تهاجمی^۴ کمک می‌نماید. کارکرد دوم «اطلاعات» ارائه پشتیبانی دقیق از تمامی دیگر ابزارهای ضد تروریستی می‌باشد. به‌عنوان نمونه، اقدامات دیپلماتیک در مورد تروریسم تقریباً همیشه بر اطلاعاتی که توسط سرویس‌های اطلاعاتی جمع‌آوری و رسانده می‌شود، متکی است. «اطلاعات» هم‌چنین در شناسایی و مشخص نمودن دارایی‌های مالی تروریست‌ها اهمیت دارد. کارکرد سوم «اطلاعات» به‌وضوح تهاجمی است و از بسیاری جهات مهم‌ترین کارکرد می‌باشد. این کارکرد جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات درباره سازمان‌ها و زیرساخت‌های تروریستی است که موجب ازهم‌گسیختگی آن‌ها می‌گردد. این اطلاعات شامل اسامی و اطلاعات شخصی

1. primary customer of intelligence

2. tool

3. strategic appraisals

4. defensive and offensive measures

مظنونان [به اقدامات] تروریستی، محل و میزان قدرت هسته‌های تروریستی، محل خانه‌های امن^۱ و ارتباطات عملیاتی میان هسته‌ها و گروه‌ها [ی تروریستی] هستند. خود سرویس‌های اطلاعاتی ممکن است [گروه‌های تروریستی] را به صورت واقعی متلاشی نمایند، لکن اطلاعاتی که آن‌ها ارائه می‌دهند، پلیس یا سرویس‌های امنیتی داخلی را قادر می‌سازد که نسبت به یورش، دستگیری مظنونان و مصادره مواد [مورد استفاده توسط تروریست‌ها] اقدام نمایند. چنین اقداماتی اغلب منجر به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر می‌گردد که به نوبه خود تخریب بیشتر زیرساخت‌های تروریستی را تسهیل می‌نماید (Pillar, 2008, pp. 383-384). در جدول شماره ۵، کارکردهای چهارگانه «اطلاعات» در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم از منظر «پل آر. پیلار» شرح داده شده است.

جدول شماره ۵: کارکردهای چهارگانه «اطلاعات» در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم از منظر «پل

آر. پیلار»

کارویزه اول اطلاعات در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم	روشن ساختن جزئیات تاکتیکی و دقیق طرح‌های تروریستی
کارویزه دوم اطلاعات در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم	ایجاد درکی استراتژیک‌تر از تهدیدهای تروریستی (ترسیم و توضیح دقیق شرایط برای تصمیم‌گیرندگان)
کارویزه سوم اطلاعات (Intelligence) در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم (counterterrorism)	پشتیبانی دقیق از دیگر ابزارهای ضد تروریستی نظیر دیپلماسی، کنترل مالی تروریسم، نیروهای نظامی و نیروهای اعمال قانون (در ایران نیروی انتظامی)
کارویزه چهارم اطلاعات در مقابله با تروریسم و عملیات ضد تروریسم	جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات درباره سازمان‌ها و زیرساخت‌های تروریستی با هدف ازیم‌گسیختگی و اختلال در آن‌ها

(Pillar, 2008, pp. 383-384)

اگر اطلاعات را دارای چهارعنصر (کارکرد یا رشته) مجزا^۲ (i) جمع‌آوری [پنهان]، (ii) تحلیل، (iii) ضداطلاعات و (iv) اقدامات (عملیات) پنهان^۳ در نظر بگیریم (Godson, 1987, p. 4) و اگر تعریفی سه‌وجهی از اطلاعات ارائه دهیم و اطلاعات را به‌عنوان یک فرایند، محصول و سازمان^۴ تصور نماییم (Lowenthal, 2009, pp. 23-24)، سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران توانسته‌اند اشراف (یا برتری) اطلاعاتی مناسبی را بر گروه‌های تروریستی شش‌ضلعی اعمال نمایند. اگرچه این مهم به یمن مجاهدت‌ها و رشادت‌های نیروهای اطلاعاتی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران و متکی بر یک تجربه ۴۵ ساله ایجادشده است. بدیهی است که در صورت به اشتراک‌گذاشتن اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های اطلاعاتی ایران و بالعکس که دیپلماسی می‌تواند این مهم را تسهیل و محقق نماید، اشراف (یا برتری) اطلاعاتی عمیق‌تری در هر دو طرف ایجاد خواهد شد.

1. safe houses

2. four discrete elements (functions or disciplines)

3. (i) collection, (ii) analysis, (iii) counter-intelligence, and (iv) covert action

4. Intelligence as process, Intelligence as product, Intelligence as organization

۳-۵. ایجاد شکاف در جبهه حامیان تروریسم ضد ایرانی و منفعل نمودن دولت‌های حامی تروریسم ضد ایرانی

در این بخش لازم است که به صورت بسیار مختصر به مفهوم کلیدی «تروریسم دولتی»^۱ اشاره نماییم. «ریچارد آلن» تروریسم دولتی را به عنوان نوعی از تروریسم معرفی می‌نماید که در آن تروریسم به عنوان یک ابزار حکمرانی^۲ به منظور حفظ نظم دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد (Allan, 1990, p. 85). «والتر لاکوئر» معتقد است که در انگیزه‌ها، کارکرد و تأثیر تعدی [یا ظلم] انجام شده توسط دولت (یا جامعه یا مذهب) و تروریسم سیاسی^۳ تفاوت‌های اساسی وجود دارد. یکسان پنداشتن آن‌ها از بین بردن آن‌ها را با اختلال مواجه می‌سازد (Laqueur, 1986, p. 89). «لاکوئر» هم‌چنین استدلال می‌کند که گنجاندن تروریسم دولتی در مطالعات تروریسم، مطالعه تروریسم را غیرممکن می‌سازد، زیرا نه تنها سیاست خارجی ایالات متحده بلکه باید هیتلر و استالین را نیز در گستره تروریسم گنجانده (Laqueur, 2003, p. 140). «روث بلیکلی» درباره مفهوم «تروریسم دولتی» عنوان می‌دارد: هم در مورد داخلی و هم در مورد خارجی، درجه‌های مختلفی از درگیری دولت‌ها در تروریسم وجود دارد. در برخی از موارد، دولت‌ها عاملان اصلی [تروریسم]^۴ هستند و عوامل خود از جمله نیروهای مسلح یا سرویس‌های مخفی را به منظور مشارکت در اقدامات تروریستی به کار می‌گیرند. دولت‌ها هم‌چنین ممکن است از تروریسمی که توسط موجودیت‌های دیگر اعمال می‌گردد، حمایت نمایند (Blakeley, 2010, pp. 19-20). چهار مورد از مصادیق اصلی «تروریسم دولتی»، دولت‌های ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و اسرائیل می‌باشند که متأسفانه در طول حیات ۴۵ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران برخی از اضلاع تروریسم ضد ایرانی را مورد حمایت علنی خود قرار داده‌اند (مشخصاً سازمان مجاهدین خلق). به صورت مشخص می‌توان گفت که اسرائیل در طول ۴۵ سال گذشته از تمامی اضلاع شش‌گانه تروریسم ضد ایرانی حمایت نموده است (حتی تروریسم داعشی) و در مواردی مبادرت به ترور مستقیم دانشمندان هسته‌ای (شهادی والامقام اردشیر حسین پور، مسعود علی محمدی، مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن و محسن فخری زاده) نموده است.

-
1. State Terrorism
 2. terrorism as a governing instrument
 3. oppression by the state (or society or religion) and political terrorism
 4. main perpetrators

دیپلماسی به واسطه ارسال پیام، روشننگری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم، چانه‌زنی، وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)، و اثبات اشراف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور میزبان می‌تواند در جبهه حامیان تروریسم ضد ایرانی شکاف ایجاد نماید و تروریسم دولتی حامی تروریسم ضد ایرانی را منفعَل نماید.

دیپلماسی هم‌چنین می‌تواند شراکت و اتحاد جمهوری اسلامی ایران با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث علیه تروریسم را تسهیل نماید. در این حالت، دیپلماسی به‌عنوان ابزاری در خدمت سیاست موازنه‌سازی جمهوری اسلامی ایران در راستای: (۱) افزایش توانمندی‌های خود و (۲) تضعیف توانمندی‌های «تروریسم دولتی» حامی تروریسم ضد ایرانی (ایالات‌متحده، بریتانیا، فرانسه و اسرائیل) به‌منظور کسب طیف بهتری از نتایج عمل می‌نماید (رضایی و شریعتی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۲).

۳-۶. زمینه‌سازی جهت محکومیت بین‌المللی تروریست‌ها

تصویر و روایتی که پنج ضلع از شش ضلع تروریسم ضد ایرانی یعنی تروریسم چپ‌گرا یا دست چپی (سازمان مجاهدین خلق)، تروریسم راست‌گرا یا دست راستی (انجمن پادشاهی ایران یا تندر، و ارتش مردمی)، تروریسم چپ‌گرا- قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات، و کودار)، تروریسم قومیت‌گرا-مذهبی (جنداله و جیش‌العدل) و تروریسم قومیت‌گرا- جدایی‌طلب (حرکه النضال العربی لتحریر الأحواز یا الاحوازیه) از فعالیت‌های خود ارائه می‌دهند، تصویر یک گروه سیاسی است که در حال مبارزه علیه یک رژیم سرکوبگر، دیکتاتور و ددمنش می‌باشد. بنابراین، این سیاست تروریست‌ها و حمایت رسانه‌های جریان اصلی در غرب از تروریست‌های ضد ایرانی موجب شده تا پنج ضلع از شش ضلع تروریسم ضد ایرانی توسط رسانه‌های جریان اصلی در غرب به‌عنوان «مبارز»، «آزادی‌خواه» و «انقلابی» (بر) ساخته شوند و بازنمایی گردند. و این نکته‌ای است که توسط «کول» مطرح می‌گردد: عنصر کلیدی در فرایند ارتباطات آن است که رسانه‌ها چگونه به

شکل‌گیری ادراکات عمومی از جنگ‌جویان و خشونت آن‌ها^۱ کمک می‌کنند. این کار از طریق برچسب‌ها و تعاریفی انجام می‌پذیرد که رسانه‌ها به گروه‌ها و افرادی که در خشونت دخیل هستند، می‌دهند. برچسب‌های سنتی نظیر «تروریست»، «یاغی»، «شورش»، «انقلابی» و یا حتی «راهزن»^۲ که معمولاً برای توصیف گروه‌های درگیر در منازعات فرودولتی^۳ استفاده می‌شود، هیچ تعریف به‌صورت جهان‌شمول پذیرفته‌شده‌ای ندارند که موجب می‌گردد هنگام استفاده از این برچسب‌ها شماری از موضوعات برای رسانه‌ها مطرح گردد. از دهه ۱۹۹۰، تحلیل‌گران هم‌چنین جنگ‌جویان غیردولتی را در جهت‌گیری به‌عنوان «مذهبی» یا «سکولار» نام‌گذاری نمودند. این امر در افزایش استفاده از اصطلاح «تروریسم اسلامی» از ۱۱ سپتامبر به بعد، علی‌رغم اعتراض‌های جوامع مسلمان مشهود می‌باشد (Cole, 2006, p. 3).

دیپلماسی به‌واسطه ارسال پیام، چانه‌زنی، و روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم که عمدتاً از زنان، کودکان و مردان عادی جامعه هستند، می‌تواند موجب محکومیت بین‌المللی تروریست‌ها شود. انجام این مهم مستلزم استفاده هوشمندانه دیپلماسی از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های رسانه می‌باشد تا بتواند تروریست‌های ضد ایرانی را به‌عنوان «تروریست» بازنمایی نماید و اجازه ندهد تروریست‌های ضد ایرانی توسط رسانه‌های جریان اصلی در غرب با برچسب‌هایی نظیر «مبارز»، «آزادی‌خواه» و «انقلابی» بازنمایی گردند.

۳-۷. سازماندهی فضای رسانه‌ای سنگین علیه تروریست‌ها

اهمیت رابطه بین تروریسم و رسانه تا بدان‌جا است که برخی از محققان مطرح نظیر «بروس هافمن» تعریفی «پیام‌محور» و مبتنی بر «ارتباطات» از تروریسم ارائه می‌دهند: «تروریسم می‌تواند به‌عنوان یک اقدام خشونت‌آمیز دیده شود که به‌طور خاص به‌منظور جلب توجه طراحی شده و سپس از طریق تبلیغات [و عمومیتی]^۴ که ایجاد می‌کند، به‌منظور مرادده یک پیام^۵ به‌کار می‌رود» (Hoffman, 2006, pp. 173-174).

در این بخش لازم است که به مفهوم «ابر واقعیت»^۶ به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی «پسامدرنیسم» اشاره شود. مفهوم «ابر واقعیت» (که توسط محققان مختلف

1. public perceptions of combatants and their violence
2. traditional labels such as 'terrorist,' 'rebel,' 'insurgent,' 'revolutionary,' or even 'bandit'
3. sub-state conflicts
4. publicity
5. to communicate a message
6. Hyperreality

«ابر واقعی» یا «حاد واقعیت» یا «فزون واقعیت» نیز ترجمه شده است) توسط «ژان بودریار» اندیشمند فرانسوی مطرح شده است. «بودریار» معتقد است در چهارچوب «ابر واقعیت»، رسانه‌های نو هم به واقعیت اجتماعی شکل می‌دهند و هم آن را بازنمایی می‌کنند. همان‌گونه که «واسکوئز» می‌گوید «اندیشه بازنمایی جهان کاملاً زیور شده و جای خود را به این تصور داده است که چون واقعیت یا حقیقتی برای بازنمایی در دست نیست، بنابراین تنها شبیه‌سازی امکان‌پذیر است. در واقع، تمایز میان حقیقت و دروغ‌پردازی دیگر قابل تشخیص نیست. در شرایط «ابر واقعیت» نمی‌توان از آن‌چه که حواس انسان درک می‌کند مطمئن بود. آیا آن‌چه بر صفحه تلویزیون نقش بست جنایتی واقعی بود یا بازیگران نقش بازی می‌کردند؟ آیا فشردن دکمه‌های صفحه‌کلید رایانه موجب نابودی تصویری رایانه‌ای بر صفحه نمایشگر می‌شود یا این که سربازان در میدان نبرد جان می‌سپارند؟» (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۳۸۳، صص. ۲۰۹-۲۱۰). امروزه و به مدد فضای «پسا مدرن» و مفهوم «ابر واقعیت»، تصویر واقعیت از خود واقعیت مهم‌تر و با اهمیت‌تر شده است.

در مورد تروریسم ضد ایرانی قضیه از این قرار است که مجاهد خلق، حدکا، کومله، پژاک، پاک، خبات، کودار، جندالله، جیش‌العدل، تندر، ارتش مردمی، و الاحوازیه به صورت کاملاً کور، زن، کودک و مرد ایرانی را به خاک و خون می‌کشد و به مدد فضای «پسا مدرن» و خلق مفهوم «ابر واقعیت»، این تصویر را از واقعیت «ترور» ارائه می‌دهد که در حال حمله به مواضع و نیروهای یک رژیم سرکوبگر، دیکتاتور و دامنش می‌باشد. ابزار اصلی تروریسم ضد ایرانی جهت خلق «ابر واقعیت»، رسانه‌های جریان اصلی در غرب هستند.

دیپلماسی به واسطه ارسال پیام، چانه‌زنی، و روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم که عمدتاً از زنان، کودکان و مردان عادی جامعه هستند، می‌تواند فضای رسانه‌ای شدیدی را علیه تروریست‌ها سازماندهی نماید و اجازه ندهد که تروریست‌های ضد ایرانی به مدد فضای «پسا مدرن» و خلق مفهوم «ابر واقعیت»، قربانیان بی‌گناه تروریسم را مشت‌مأمور حکومتی جا بزنند. در این مسیر، دیپلماسی باید به صورتی هوشمندانه و کنش‌گراانه از سیاست هویج (ارائه پیشنهادهای مالی-انگیزشی به رسانه‌های جریان اصلی) بهره‌گیرد.

۳-۸. ممانعت از دستیابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پیشرفته

اگرچه اضلاع شش‌گانه تروریسم ضد ایرانی به تجهیزات و تسلیحات مختلف دسترسی دارند و در عملیات‌های خود علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران از آن‌ها استفاده می‌نمایند، لکن دستیابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پیشرفته (نظیر سلاح خودکار و هدایت ماهواره‌ای که در ترور شهید والامقام محسن فخری‌زاده به‌کاربرده شد)، می‌تواند صدمات و خسارت‌های فراوانی را متوجه جمهوری اسلامی ایران نماید. یکی دیگر از تجهیزات پیشرفته که می‌تواند تلفات و خسارت‌های فراوانی را ایجاد نماید، موشک‌های ضد هوایی دوش‌پرتاب^۱ می‌باشد. دیپلماسی به‌واسطه ارسال پیام، چانه‌زنی، وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)، و شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه سازی) می‌تواند مانع دستیابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پیشرفته گردد.

۳-۹. منفعل نمودن، بازداشت و حتی زمینه‌سازی جهت حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریستی

«الکس پی. اشمید» در کتاب معروف «راهنمای راتلج در پژوهش‌های تروریسم» شرح مبسوطی در رابطه با تقدم یا تأخر هر یک از ابزارهای ضد تروریستی از دیدگاه متخصصان ارائه داده است. وی عنوان می‌دارد: «درحالی‌که برخی از نظریه‌پردازان انتقادی، مطالعات تروریسم را به خاطر اتخاذ «رویکرد حل مشکل» سرزنش می‌کنند، محققان جریان اصلی^۲ با این موضوع هیچ مشکلی ندارند و این‌گونه استدلال می‌کنند همان‌گونه که حرفه پزشکی در حال بررسی بیماری‌ها است تا بتواند آن‌ها را درمان کند، بنابراین مطالعات تروریسم نیز کاملاً مشروع می‌باشد. ما در پرسش‌نامه خود از جمعی از متخصصان چند سؤال پیرامون نحوه مقابله با تروریسم پرسیدیم. سؤال اول آن بود که «به نظر شما، موثرترین تمهیدات ضد تروریستی علیه تروریسم بین‌الملل چه مواردی می‌باشد؟» برخی از پاسخ‌دهندگان بیش از یک پاسخ به پرسش فوق ارائه دادند» (Schmid, 2011, pp. 29-31). پانزدهمین تمهید ضد تروریستی (از بین بیست

1. Man-portable air-defense systems (MANPADS or MPADS)

2. mainstream researchers

تهدید ضد تروریستی) که متخصصان در پاسخ به پرسش‌نامه «الکس پی. اشمید» بدان اشاره نمودند «بازداشت اعضای کلیدی گروه‌های تروریستی» است که توسط ۷ متخصص بدان اشاره گردیده است.

دیپلماسی به‌واسطه ارسال پیام، روشن‌گری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم، چانه‌زنی، اقناع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در ضربه زدن به تروریست‌ها، وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش‌گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)، اثبات اشرف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشور (های) میزبان، شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه سازی)، و سیاست هویج (ارائه پیشنهادهای مالی-انگیزشی به کشور میزبان تروریست‌ها و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن) می‌تواند موجب انفعال، بازداشت و حتی زمینه‌سازی جهت حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریستی شود.

جدول شماره ۶: ابزارها و کارکردهای دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر

ابزارها و کارکردهای دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر یا جدید		کارکردهای نه‌گانه دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر یا جدید						
ارسال پیام	روشن‌گری	چانه‌زنی	ایقاع	وادارسازی	اثبات اشرف اطلاعاتی	شراکت و اتحاد با کشورهای ثالث (موازنه‌سازی)	سیاست هویج	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	کاهش انگیزه تروریست‌ها جهت حمله به اهداف در داخل خاک ایران به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان تروریست‌ها و محروم نمودن تروریست‌ها از فضای آمیزش و سیاسی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تقلیل قابلیت‌های عملیاتی تروریست‌ها به‌واسطه اعمال فشار بر کشورهای میزبان و جاسی در جهت قطع منابع تروریست‌ها
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	مسدود نمودن یا مسامحه قطع مالی و دارایی‌های تروریست‌ها
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	انترنات‌گذاری اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های اطلاعاتی ایران و پاکستان
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	ایجاد فشار در حیطه حاکمان تروریست‌ها در امرای و مسئولان نمودن دروازه‌های خاص تروریست‌ها در ایران
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	زمینه‌سازی جهت حکومیت بین‌المللی تروریست‌ها
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	موازنه‌دهی فضای منطقه‌ای مسکن علیه تروریست‌ها
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	ممانعت از دست‌یابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پرتفقه
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	ممنوع نمودن، بازداشت و حذف زمینه‌سازی جهت حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریست‌ها

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر یا جدید مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، ضمن انتخاب جریان اصلی مطالعات تروریسم به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش، ده مشخصه تروریسم معاصر یا جدید مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه جریان تروریستی شش‌ضلعی شامل تروریسم چپ‌گرا یا دست‌چپی، تروریسم راست‌گرا یا دست‌راستی، تروریسم چپ‌گرا-قومیت‌گرا-جدایی‌طلب، تروریسم قومیت‌گرا-مذهبی، تروریسم قومیت‌گرا-جدایی‌طلب، و تروریسم مذهبی مورد ارزیابی قرار گرفت و شمول یا عدم شمول ویژگی‌های ده‌گانه تروریسم معاصر بر

گروه‌های تروریستی اقدام‌کننده علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش حاضر ضمن تأیید فرضیه پژوهش، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه بهره‌گیری از دیپلماسی می‌تواند ۹ اقدام اساسی ضد تروریستی را در مقابله با تروریسم معاصر انجام دهد. دیپلماسی مجموعه‌ای از اقدامات صلح‌آمیز شامل (۱) ارسال پیام؛ (۲) روشننگری در مورد ماهیت تروریست‌ها و قربانیان تروریسم؛ (۳) چانه‌زنی؛ (۴) اقناع طرف مقابل جهت همکاری با نیروهای خودی در ضربه زدن به تروریست‌ها؛ (۵) وادارسازی (سیاست تهدید به استفاده از چماق) از طریق تهدید معتبر و یا تهدید به درپیش گرفتن استراتژی «این در به آن در» (تلافی نمودن درجایی و زمانی دیگر و به روشی دیگر)؛ (۶) اثبات اشراف (یا برتری) اطلاعاتی بر تحرکات تروریست‌ها در کشورهای میزبان؛ (۷) شراکت و اتحاد با سرویس‌های اطلاعاتی، واحدهای ضد تروریسم پلیس و نیروهای نظامی کشورهای ثالث (موازنه سازی)؛ و (۸) دیگر روش‌های پیشبرد منافع کشور (که تحت عنوان سیاست هویج از آن یاد می‌شود) می‌باشد که توسط نهادهای ایرانی اعم از نهادهای بالادستی («شورای عالی امنیت ملی» یا شعام و «شورای امنیت کشور» یا شاک)، و یا نهادهای اطلاعاتی-امنیتی (واجا یا «وزارت اطلاعات»، «سازمان اطلاعات سپاه» و در موارد معدود، «معاونت اطلاعات فراجا»، یا نهادهای نظامی («ستاد کل نیروهای مسلح»، «نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و «حفاظت اطلاعات‌های سپاه، ارتش، وزارت دفاع و فرماندهی انتظامی»، و یا نهادهای سیاسی («ریاست جمهوری»، «وزارت امور خارجه» یا واخ، «مجلس شورای اسلامی» و در موارد معدود، «سازمان انرژی اتمی»، و یا نهاد قضایی («معاونت حقوق بشر قوه قضاییه» و در موارد معدود، «دادستانی کل کشور») با هدف کاهش تأثیر منفی تروریسم بر زندگی مردم ایران و امورات دولتی انجام می‌پذیرد.

بنابراین لازم است که تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بالادستی نظیر شورای عالی امنیت ملی (شعام) و شورای امنیت کشور (شاک)، در استراتژی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران وزن و نقش بالایی را برای «دیپلماسی» قائل گردند و به‌واسطه ایجاد هماهنگی میان نهادهای اطلاعاتی-امنیتی، نظامی، انتظامی، اقتصادی و حوزه سیاست خارجی تأثیر ابزار «دیپلماسی» در استراتژی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران را مضاعف نمایند.

فهرست منابع

- تریف، تری؛ کرافت، استیوارت؛ جیمز، لوسی؛ مورگان، پاتریک (۱۳۸۳). *مطالعات امنیتی نوین*. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رضایی، نیما؛ شریعتی، مجتبی (۱۴۰۱). *موازنه سازی چهارچوبی تحلیلی برای تبیین رفتار سیاست خارجی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲*. روابط خارجی، (۲)۱۴. ۲۶۱-۲۲۷.
- رضایی، نیما؛ شریعتی، مجتبی (۱۴۰۰). *ظرفیت‌سنجی شکل‌گیری رژیم امنیتی مبتنی بر «چانه‌زنی نهادی» در مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی*. روابط خارجی، (۲)۱۳. ۳۷۰-۳۳۷.



References

- Barston, R. P. (2013). *Modern Diplomacy*. Fourth Edition. London & New York: Routledge.
- Berridge, G. R., & Lloyd, L. (2012). *The Palgrave Macmillan Dictionary of Diplomacy*. Third Edition. New York & Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Blakeley, R. (2010). State terrorism in the social sciences: Theories, methods and concepts. In Richard Jackson, Eamon Murphy & Scott Poynting. *Contemporary State Terrorism: Theory and practice*. London & New York: Routledge.
- Breen Smyth, M., Gunning, J., Jackson, R., Kassimeris, G., & Robinson, P. (2008). Critical Terrorism Studies: an introduction. *Critical Studies on Terrorism*, 1(1), 1-4.
- Clark, R. M. (2013). *Intelligence Analysis: A Target-centric Approach*. Fourth Edition. Washington, DC: SAGE Publications Ltd.
- Cole, B. (2006). Introduction. In Benjamin Cole. *Conflict, Terrorism and the Media in Asia*. London & New York: Routledge.
- Dorman, A. M., & Uttley, R. H. (2016). Defense and Intelligence Diplomacy. In Alison R. Holmes & Simon J. Rofe. *Global Diplomacy: Theories, Types, and Models*. Boulder, Colorado: Westview Press.
- Duyvesteyn, I., & Malkki, L. (2012). Is there a 'new terrorism' in existence today? - NO: the fallacy of the new terrorism thesis. In Richard Jackson & Daniela Pisoiu. *Contemporary Debates on Terrorism*. Second Edition. London & New York: Routledge.
- Ganor, B. (2012). Are counterterrorism frameworks based on suppression and military force effective in responding to terrorism? - YES: the use of force to combat terrorism. In Richard Jackson & Daniela Pisoiu. *Contemporary Debates on Terrorism*. Second Edition. London & New York: Routledge.
- Godson, R. (1987). Intelligence: An American View. in K. G. Robertson. *British and American Approaches to Intelligence*. London: Palgrave Macmillan.
- Herring, E. (2008). Critical Terrorism Studies: an activist scholar perspective. *Critical Studies on Terrorism*. 1(2): 197-211.
- Hoffman, B. (2006). *Inside Terrorism: Revised and Expanded Edition*. New York: Columbia University Press.
- Jackson, R. (2009). Knowledge, Power and Politics in the Study of Political Terrorism. In Richard Jackson, Marie Breen Smyth & Jeroen Gunning. *Critical Terrorism Studies: A new research agenda*. London & New York: Routledge.
- Kornprobst, M. (2016). Statecraft, Strategy and Diplomacy. In Costas M. Constantinou, Pauline Kerr and Paul Sharp. *The SAGE*

- Handbook of Diplomacy*. London, Thousand Oaks, New Delhi & Singapore: SAGE.
- Kurtulus, E. N. (2012). Is there a 'new terrorism' in existence today?- YES: the relevance of the 'new terrorism' concept. In Richard Jackson & Daniela Pisoiu. *Contemporary Debates on Terrorism*. Second Edition. London & New York: Routledge.
 - Laqueur, W. (2003). *No End to War: Terrorism in the Twenty-first Century*. New York: Continuum.
 - Laqueur, W. (1986). Reflections on Terrorism. *Foreign Affairs*, 65, 86-100.
 - Lowenthal, M. M. (2009). *Intelligence: From Secrets to Policy*. Fourth Edition. New York: CQ Press.
 - Mac Ginty, R. (2012). Is Critical Terrorism Studies a useful approach to the study of terrorism?- NO: don't give it the oxygen of publicity. In Richard Jackson & Daniela Pisoiu. *Contemporary Debates on Terrorism*. Second Edition. London & New York: Routledge.
 - Nacos, B. L. (2002). *Mass Mediated Terrorism*. Oxford: Rowan and Littlefield.
 - Pillar, P. R. (2008). Counterterrorism. In Paul D. Williams. *Security Studies: an introduction*. London & New York: Routledge.
 - Rogers, P. (2008). Terrorism. In Paul D. Williams. *Security Studies: an introduction*. London & New York: Routledge.
 - Schmid, A. P. (2011). Psychological, Political, Economic, Religious and Cultural (Root) Causes of Terrorism, According to Scholars Gathered at the Club de Madrid Conference of 2005. In Alex P. Schmid. *The Routledge Handbook of Terrorism Research*. London & New York: Routledge.
 - Seib, P., & Janbek, D. M. (2011). *Global Terrorism and New Media: The post-Al Qaeda generation*. London & New York: Routledge.
 - Sheehan, M. A. (2004). Diplomacy. In Audrey Kurth Cronin & James M. Ludes. *Attacking Terrorism: Elements of a Grand Strategy*. Washington, DC: Georgetown University Press.
 - Smelser, N. J. & Mitchell, F. (2002). *Terrorism: Perspectives from the Behavioral and Social Sciences*. Washington, DC: The National Academies Press.
 - Wilkinson, P. (2006). *Terrorism versus Democracy: The Liberal State Response*. Second Edition. London & New York: Routledge.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی